خوشنویسی هنر مقدس، از منظر ادیان*

بررسی علل تقدس این هنر نزد ادیان

اسلام، مسیح، یهود، زرتشت، هندو، تائو

مریم فدایی*

چکیده :

بحث (کلام) از بنیادی‌ترین مباحث در حوزه‌ی هنرهای دینی است زیرا آنچه به هنرهای دینی موضوعیت می‌بخشد مبحث کلام است. به‌گفته‌ی بورکهارت در کتاب «هنر مقدس»، موضوع هنر دینی (کلام) است[1] و این کلام در هر دوره‌ای با زبان پیامبری متناسب با قوم و رنگ و نژاد ملت‌ها در قالب زبان وحی نازل می‌شود و در این رهگذر هنرهای دینی با اشکال متفاوت صوری خود مطابق با تعالیم و آموزه‌های الهی وحی شکل گرفتند که همگی سعی در انتقال پیام الهی نهفته دینی دارند. اگر بپذیریم که منشا و غایت هنر ریشه در اندیشه‌های متعالی انسان داشته و از راه‌های رستگاری است پس به این باور مهم می‌رسیم که آنچه متفاوت می‌نماید، شکل هنر است نه محتوای متعالی آن و این تفاوت صوری هنر که هر چند وقت یک بار بنا به خلاقیت‌های هنرمندان آن تغییر می‌یابد نمی‌تواند به عنوان عنصر اصلی تقدس‌بخشی یک هنر قابل قبول باشد. زیرا تمام اشکال هنری در انتقال پیام الهی دخالت دارند و مادام که وظیفه‌ی آنها نگهداری و انتقال کلام خداست پس در هر وضع و شکلی مقدس است.

هنر خوشنویسی یکی از اشکال هنری است که وظیفه‌اش نگهداری و تجسم‌بخشی همان کلام والای دینی است که توسط وحی به متون مقدس عینیت می‌بخشد. این هنر در اندیشه‌ی اسلامی جایگاه والایی دارد و در محدوده‌ی هنرهای مقدس دینی اسلامی قرار گرفته و مباحث مربوط به تقدس‌بخشی آن از لابلای آیات قرآن – اندیشه‌پردازی‌های عارفان حروفیه، نقطویه، اخوان‌الصفا قابل شناسایی است. از آنجا که هنر خوشنویسی اولین بار برای نگارش کلام ا... به کار رفت و مستقیما با آیات وحی سروکار داشت به آن بار قداستی ویژه‌ای بخشیدند. هنر خوشنویسی اسلامی بنا به ماهیت توحیدی‌اش سبب گردید تا در صورت و محتوای خود ارزش معنوی خاص داشته باشد و رو به تجرید. این هنر ارزشی برابر با هنر پیکرتراشی هندویی، تمثال‌سازی مسیحی، نقاشی تائویی و... داشته و بر اساس ارکان سازنده‌ی هنرهای دینی با منشا و غایت الهی ساخته و پرداخته شده و به تنها چیزی که اشاره می‌کند امر واحدیت و آفرینش الهی کائنات و هستی توسط کلام خدا است. با این تعاریف هنر خوشنویسی ادیان با صورت‌های متفاوت ظاهری خود فقط برای تجسم‌بخشی به کلام الهی متون مقدس عمل می‌کند که در ذات خود یکسان هستند و همگی سعی در انتقال پیام نهفته‌ی حقیقت مطلق و مقدسی را دارند که هر چند وقت یک‌بار خود را به شکلی نشان می‌دهد. هنری که با روح هنر دینی مستقیما در ارتباط است و آنچه به آن بار تقدس معنوی می‌بخشد روح تنزیهی است که در قالب هنر ادیانی مانند مسیح با نام روح ا...، یهود (روح شخینا)، هندو (روح پروشا)، زرتشت (فرشته بهمن) و تائو (روح چئی) درک می‌شود. برای فهم و درک بارزه‌های این هنر به عنوان یک هنر دینی می‌بایست به مبانی نظری هنری ادیان آشنایی داشت. زیرا آنچه ماهیت هنر دینی ادیان را می‌سازد بر پایه‌ی میزان درک و دریافت پیروان هر دین به آن ذات مطلق است و از آنجا که همه چیز مجلای کلام خداست و هر آنچه وجود دارد و دیده می‌شود فقط نام و اسم‌اند که از ازل صادر شده و اصلش در جهان معنا قرار دارد، پس حروف و کلمات نوشتاری از این قاعده جدا نمی‌باشد. تمام مباحث تقدس خوشنویسی به تقدس (کلام، حرف، عدد، نقطه، قلم، لوح، کتاب و...) پیوند می‌خورد که پس از جست‌جو و تحقیق بر این عناصر تقدس‌بخش در هنر خوشنویسی اسلامی به راحتی می‌توان دریافت که تمام ادیان مذکور برای این عناصر ارزش قداستی ویژه‌ای قایل‌اند و این قالب هنری توانسته به عنوان بی‌شائبه‌ترین و مجردترین هنر هم در صورت و هم در محتوا به تنها وظیفه‌ی خود یعنی بحث تجلی و تجسم کلام خدا بر زمین انجام وظیفه کند و به عنوان هنری مقدس از منظر ادیان تلقی شود (هنر مقدس هنری است که فقط امر الهی در ان حاضر باشد). و در این مسیر تنها هنری که توانسته با روح الهی خود در صورت تجریدی و محتوای معنوی به زمان و مکان قدسیت بخشد هنر خوشنویسی است هنری که فقط خدا را فرض می‌کند و نقطه‌ی مشترک همه ادیان و ترجمانی از آفرینش کامل الهی است.

* کارشناس ارشد هنر، گرایش پژوهش هنر



مقدمه :

آنچه در این مبحث مورد توجه قرار خواهد گرفت بحث تطبیقی و تحلیلی عواملی است که باعث تقدس بخشی به هنر خوشنویسی ادیان می‌شود، از این‌رو ابتدا هنر خوشنویسی اسلامی مد نظر قرار می‌گیرد. زیرا هنر اسلامی تنها هنری است که از خوشنویسی به عنوان هنر مقدس دینی یاد کرده است و عناصر مقدس آن را از تعالیم و آموزه‌های قران کریم می‌داند چیزی که باعث شکل‌گیری تفکرات عارفانه و صوفیانه‌ی اسلامی گردید و به واژگانی مانند حروف مقطعه قرآن، آیه قلم، لوح محفوظ و کاتبان الهی اشاره می‌کند. در این مقاله سعی می‌شود با بررسی تمام این عناصر و ردیابی آنها در هنر خوشنویسی و نگارش ۵ دین مسیح، یهود، زرتشت، هندو، و تائو به یک نقطه نظر مشترک رسید و اعلام نمود که هنر خوشنویسی نزد همه‌ی ادیان مقدس است. در این راستا ابتدا به اصلی‌ترین رکن تقدس‌زای هنر خوشنویسی یعنی دیدگاه ادیان فوق نسبت به بحث (تقدس کلام) پرداخته و سپس به مقایسه‌ی نظرات ذوقی و عارفانه ادیان نسبت به واژگان نامبرده می‌پردازیم.

تقدس کلمه از منظر اسلام : کلمه در عرفان اسلامی آن چیزی است که خداوند با آن به تمام موجودات ماهیت وجودی و شکل خارجی می‌دهد و این تعین بخشی خود را (قول) می‌گوید چنانچه می‌فرماید (سخن ما به هر چیزی وقتی اراده کنیم این است که بگوییم : باش دردم به وجود می‌آید (سوره نحل – ایه ۴۰) یعنی اگر فعل خدا به ذات خود باشد نام این فعل (کلام) است. و آنچه از آن ظاهر می‌شود (کلمه) است. پس کلمه به معنای اراده‌ی خداست و ظاهرشدن شی یا هر چیزی به صورت تکوینی یا الهام و وحی می‌باشد. همه موجودات کلمات خداوند هستند که با (کن) آفریده شدند و حقیقت آن است که (کن) رمزی برای عقل الهی است که در کار آفرینش واسطه‌ای میان حق و وجود است که باعث خلق عالم می‌شود و تمام موجودات به اعتبار اینکه از نفس رحمانی‌اند به کلمه تعبیر شده‌اند. تمام عالم در یک کلمه خلاصه می‌شود و این سخن عارفان مسلمان در باب حقیقت محمدیه یا عقل اول است و معتقدند (کلمه، فرشته اعظم، رسول خدا) اولین صادر خدا و عقل کل محسوب می‌شوند. بنا به اعتقاد ابن‌عربی همه‌ی موجودات کلمات خدایند و تمام حروف به وسیله‌ی تنفس خارج می‌شوند و به شکل کلمات در می‌آیند. اسلام برای کلام الهی تقدس قایل است و وحی را معجزه‌ی پیامبر (ص) می‌داند. کلمه در اندیشه‌ی اسلامی همان لوگوس مسیحی است زیرا عقیده دارند کل جهان یک کتاب الهی است و همه چیز نشانه‌هایی معنادار برای مقاصد الهی‌اند و خداوند در اشکال قراردادی زبانی با بشر سخن می‌گوید و کلام لفظ خداست و مرتبه‌ای از درجات و مراتب کلام وجودی یا لوگوس است. حقیقت این کلام

همان حقیقت نورالانوار است که توسط (کن) اظهار می‌شود و در این تجلی خداوند گوینده‌ی مطلق است و کلام او باعث تجلی ذاتی اسما و صفات او می‌شود و وحی از انواع کلام الهی است و درجاتی دارد. کلمه در دیدگاه اسلامی مفاهیم خاصی دارد و هر انسانی که در درجه کمال به این کلام یا لوگوس برسد به درجه انسان کامل رسیده و واسطه فیض الهی می‌شود. ابن عربی به این کلمه حضرت آدم، حقیقت انسانی، انسان کامل، حقیقت محمدیه می‌گفت و در متون صوفیه انسان کامل همان کلمه‌ی الهی است که در حقیقت محمدیه متجلی می‌شود. این کلمه در اندیشه‌ی اسلامی برابر با عقل اول – عقل کل می‌باشد تا جایی که حروفیه هستی را بر اساس نبوت – امامت و الوهیت دانسته و به نظر آنها کائنات را محل ظهور هستی می‌دانند و اینکه تمام جهان به صورت ماده و روح ترکیبی از ۳۲ حرف هستند و هر آنچه هست همه یک کلمه‌اند.

تقدس کلمه از منظر مسیح : تفسیر کلام در دین مسیح به واژه (کلمه) در کتاب انجیل یوحنا باز می‌گردد و ترجمه‌ی لوگوس مسیحی است زیرا لوگوس حاوی مفهوم کلام یا پیام است و در قرآن کریم از حضرت عیسی ع با نام های مسیح، روح ا...، کلمه ا... نام برده‌اند و از این رو کلمه ا... خوانده می‌شود که با اراده‌ی خداوند کلمه تکوینی (کن) متولد می‌شود. این کلمه در سنت مسیحی به مثابه کلمه خداست که تجسد یافت و اشاره به بشارت مسیح (ع) یا پیام درباره مسیح(ع) می‌باشد و در یک معنا به کتاب مقدس اشاره دارد. وقتی یوحنا از تجسم و انسانی شدن لوگوس می‌گوید مقصودش جسمیت‌یافتن اندیشه و پیام خداست (عیسی کلام خداست، سوره آل‌عمران، آیه‌های ۳۹ و ۴۵) لوگوس یا کلام خدا معانی رمزی دارد و مظهر خداست و محل حقیقتی است که محل تجلی این حقیقت همان ذات خداست و از آنجا که خدا به هیچ عنوان ذات خود را بر مخلوق نمی‌گشاید پس لوگوس پلی برای رسیدن به اوست. در اندیشه‌ی مسیحی روح و کلام خدا به هم مربوطند و مسیح (ع) کلام خداست (مسیح کلام خدا را می‌گفت و به اذن خدا برای ما معجزه می‌کرد، انجیل یوحنا، ۲: ۲۲) لوگوس علت العلل نظام آفرینش است و قدرت خداوند برای خلق می‌باشد[2] (لوگوس علت بنیادی هر چیزی است که پیام عقل تجلی می‌یابد، مزامیر ۲۰: ۱۰۷) مسیح در اندیشه‌ی مسیحیت عامل خلقت است و امکانات همه اشیا تا ابد در کلام الهی نهفته است و همه چیز به واسطه کلمه ظاهر می‌شود در این سنت ریشه‌ی تمام حکمت‌ها در عقل الهی جمع می‌شود که علم آن توسط حضرت مسیح (ع) بر زمین نازل شد و نور آن همان نورالهی یا کلمه است که بانی خلق همه هستی است.

تقدس کلمه از منظر یهود : برای شناسایی تقدس کلمه از منظر یهود باید مفاهیم عرفانی و حکمی آنها را شناخت که ریشه در آیین قبالا دارد. زیرا آنها گرایش ماورایی به کلام داشته و کلام را ابزار بیانی خاص خدا می‌دانند و به تصریح کلمه و کلام و کلمات را از خدا دانسته‌اند تا جایی که در کتاب سفر پیدایش و غزل‌های حضرت سلیمان ع و... آمده است اول کلمه بود و کلمه خدا بود. هم‌چنین در سوره‌های بقره، توبه، مریم، لقمان و تحریم به این موضوع اشاره می‌شود. در کتاب زوهر مهم‌ترین سند مکتوب این آیین آمده است که ذات خدا نامتناهی است و هیچ سخنی را نمی‌توان درباره‌ی او گفت و خدا را فقط باید با نور مراقبه دید.[3] خداوند در هیچ نام ثبت شده‌ای نیست و فقط با کلمات می‌توان از او یاد کرد و تورات فقط عبارات بصری نیستند بلکه به مثابه حلول عقل الهی درون کتاب تورات‌اند و مجموعه شکل حروف عبری بازتاب ذات روحانی جهان است و کل جهان بر اساس حروف عبری ساخته شده‌اند. زیرا کلام ارزش عرفانی دارد و کلمه به خدا باز می‌گردد. هم‌چنین در این مسیر معتقدند هر آنچه حیات دارد تجلی کلام





خداست و اعداد خاصیت تاثیرگذاری و انرژی دارند که توسط خدا خلق شده‌اند تا وسیله‌ی ارتباطی انسان و کائنات باشند. از نظر قبالاها کلام خدا در حروف عبری خلاصه شده و بیان کلمات می‌تواند تاثیراتی بر زندگی افراد بگذارد و به این دلیل از تلفظ برخی کلمات با احتیاط عمل می‌کنند و به زبان‌آوردن نام خدا برای آنها بیهوده صورت نمی‌گیرد تا جایی که یکی از فرمان‌های یهود این است که نام خدا را بیهوده بر زبان نیاورید. با این نحوه اندیشه علم حروف و اعداد در فرقه قبالای یهودی با زبان و خط عبری بارور شد و کسانی با مرتبه طریقت توانستند با علم سیمیا در حروف و اعداد و اشیایی که در نظم کیهان به این اعداد و حروف وابسته‌اند تصرف کنند (خداوند با کلام خود مخلوقات را آفرید و آفرینش فرمان بر اراده اوست، بن سیراخ، ۴۲: ۱۵) در اندیشه‌ی یهود آمده است دانش خداوند همان الفبای خلقت است و خلقت از هیچ آغاز شد و آن همان تاج الوهیتی است که نقطه آغازین هستی از آن به وجود می‌آید این نقطه منشا هستی است و اولین کلمه کتاب مقدس درباره آن سخن می‌گوید. این نور یا تجلی نخستین هستی نخستین کلمه و حرفی است که تورات با آن آغاز می‌شود و برابر با دومین حرف الفبای اسلامی است که هستی با آن شکل گرفت حرفی که با نام (ب) لاتین کتاب انجیل با آن شروع می‌شود[۴].

تقدس کلمه ازمنظر دین هندو: از آنجا که حفظ و نگهداری سرودهای ودایی از وظایف اصلی کاهنان هندویی است آنها به شدت از این متون مراقبت می‌کردند و علت آن بار تقدس ویژه‌ای بود که برای کلمات متون الهی خود قایل‌اند. زیرا در تطابق معانی (کلام) به لحاظ عملکردی بر کائنات با برخی از فرشتگان ودایی ارتباطی برقرار است. به گفته بورکهارت « بنا به ریگ ودا دواها در آغاز جهان پروشا را قربانی کردند تا بخش‌های کیهان را بسازند، پروشا به ذاته تقسیم نشد بلکه فقط شکل متجلی آن قربانی شد... دواها نمودگار ساحت الهی یا مظاهر جهات یا کنش‌های بودهی هستند که با کلام، لوگوس، عقل الهی، فعل الهی، کن برابر است[۵]» در باور هندویی خورشید تصویر کیهانی کلمه است و این کلام مقدس در آیین هندو در قالب سه حرف (اوم) خود را نشان می‌دهد. در متون مقدس هندویی ارتباط بین کلام خدا و خلق جهان به منزله نوری است که همان نور غیب است که خود را به هر رنگ و صوتی جلوه‌گر می‌کند و به زبان سانسکریت به آن (آنانت پراکریت) گویند، یعنی آنکه آغاز بنیاد آفرینش کرد.[۶] بنا به نظریه هندوییسم وداها و اوپانیشادها کلام الوهیت حق بوده و منشا آن را الهی می‌دانند. هندویی ظهور کلمه را با خلقت نور الهی یکی دانسته است « نفسی که در آفتاب است و آن ذاتی است که عین نور است آن نفس منم و (جد آکاس) که ذات مطلق است منم برهمن که آفریدگار همه است منم»[۷] حکمت هندویی در یکی‌شدن با روح الهی برهمن یا پروشا است روحی که کلام خداست و به منزله‌ی سرچشمه همه‌ی صورت‌های عالم است. در دعاهای هندویی از سه حرف نام می‌برند که روشنایی برآن مقدم می‌باشد و آن کلمه (اوم) است. در سرودهای مقدس ودا آمده است زمانی که برهمن به همه اشیا نام بخشید اولین تلفظ یعنی (واک) را فرستاد و این (واک) سخن مجسم یا صوت یا کلمه نخستین مخلوقات است که نماینده‌ی روح و فکر و واسطه‌ی بین مخلوقات و برهمن اعلی می‌باشد این واک معادل (لوگوس، عقل اول، نور الهی وکلام) در اندیشه ادیان توحیدی است. باورهای هندویی بر این استوار است که خدای برهمن در حالت صفت‌پذیری خود به اشکال متفاوت ظهور یافت و (واک) سخن صدا و کلام یکی از آنها است و آن مادر وداها است و (واک ایش) خداوند گویایی و نام برهمن است. کلمه برهمن بر نیروی خالق کلمه دلالت دارد و خدای برهمن هزاران نام دارد و یکی از نام‌های او کلمه است (اوم) یا کلمه مقدس هندویی اسم اعظمی است که تقدیس شده و نماینده ذات اعلی یا مطلق می‌باشد.

بحث کلمه و صوت از مباحث زیربنایی اندیشه و تفکر هندویی است زیرا کل آفرینش را بر اساس کلمه برهمن دانسته و در این مسیر مکتب میمامسا شکل گرفته است.

تقدس کلمه از منظر تائو:[8] یکی از منابع اعتقادی که تاکنون به مبحث آفرینش جهان بر اساس کلام الهی اشاره مستقیمی نداشته، آیین تائویی مردم چین است اما کتاب مقدس تائو ته‌چینگ در این باره با سکوت و زبان رمز و اشاره به این امر می‌پردازد که خالی از تقدس نیست و ناشی از اعتقاد به یک نیروی پنهان ازلی در طبیعت می‌باشد. این آیین به صورت کاملا نهفته به وجودی معتقد است که با نام روح چئی کنترل هستی را دردست داشته و تمام هستی از او حیات می‌گیرند، نیرو یا انرژی سیالی که به گفته‌ی اندیشه‌پردازان تائویی به صورت ذات ازلی وجود دارد و چینی‌ها این ذات را در طبیعت می‌پرستند. مطابق با گفتار تائو ته چینگ کلمات هیچ گاه قادر نیستند تا راز وجودی تائو (ذات ازلی طبیعت) را بیان کنند اما با توجه به اینکه (کلمه) همان امر الهی است و این کلمه بانی خلق عالم است در آیین تائو به آن (ت) گویند (ت) که در این آیین به معنی فضیلت بخشی است و همان امرالهی یا کلام خداست که با کلام او (الرحمان) به همه هستی روح می‌دهد. منشا تمام عالم از تائو است و تائو از خلا است و در اشعار تائویی به آن مادر کل گویند که مادر هزاران هزار پدیده است (ت) رحمت ازلی است که با یاری (یین – یانگ) باعث چرخش حیات می‌شود[9].

تقدس کلمه از منظر دین زرتشت : دین زرتشت خلق تمام هستی را بر اساس کلام مقدس هرمزد می‌داند (پس آن‌گاه مزدای پاک کلام الهام بخش خود را به صورت آیات گات‌ها که فرمان‌هایش سراسر بر راستی و درستی برای رستگاری جهانیان به زرتشت سپرد و او را مامور رهبری مردم جهان ساخت، یسنای ۲۹، بند ۲) دعای مشهور (اهونه وریه) کلامی است که پیش از خلق کائنات توسط اهورا مزدا ساخته شد و هر دو از صفات او و هستند.[10] کلام الهی اهورامزدا همان نیرو یا روح الهی است که به مفهوم باطنی دست‌اندر کار خلقت است. در این دین کلام مقدس کلامی است که سخن پاک و مقدس معنی می‌دهد و برای درمان بیماران هم به کار می‌رود. در اوستا این کلام به شکل (مانسر) آمده و در زبان پهلوی به معنی کلام مقدس، وحی، کتاب مقدس، امر الهی، کن می‌باشد.[11] هم‌چنین مدلول (دئنا) در اوستا، برابر با (ایدوس) افلاطون، لوگوس مسیحی و فرشته بهمن در آیین زرتشت است. وهومنه یا بهمن معادل عقل اول، عقل کل، نورالهی، لوگوس و فر ایزدی است که در اندیشه‌ی اسلامی بهمن با عقل اول و نخستین پدیده‌ی الهی مطابقت دارد و به منزله‌ی نخستین مخلوق خدا نورالانوار یا عقل اول می‌باشد. این عقل معادل بهمن است.[12] در اندیشه‌ی فرشته‌باوری دین زرتشت همه چیز بر اساس صفات و اسمای اهورا مزدا در قالب مهین فرشتگان آفریده شده‌اند و این فرشتگان روح اهورا و تجسم اسمای اویند[13].





تقدس خوشنویسی اسلامی :

از مقدس‌ترین شاخه‌های هنر اسلامی خوشنویسی است که یادگاری از قرآن کریم می‌باشد. این هنر ریشه در آیات وحی داشته و به لحاظ جنبه‌های مقدس آن نمودار جسم مرئی کلام الهی به شمار می‌آید قرآن حقیقت روحانی است و خوشنویسی و نگارش آن نمودار احدیت پنداشته می‌شود. اساس این هنر در تفکرات اسلامی در مقام تجسم عینی کلمه (ا...) به عنوان خالق (کلمه) است. هنر خوشنویسی اسلامی تنها شکل هنری است که توانسته مطابق با ماهیت توحیدی اسلام رشد کند و مهم‌ترین نمونه‌ی تجلی روح اسلام به شمار آید[۱۴] و خوشنویسان مسلمان به حرمت کلام خدا به آن جنبه تقدس بخشیده و تقدس آن را ذاتی و از بطن حروف رمزی قرآن، قلم، لوح، کتاب و... دانسته‌اند و معتقدند این هنر الهی است.

قلم و لوح محفوظ : پیرامون حسن خط گفته‌اند : اول چیزی که خدا از عقل الهی خلق کرد قلم بود. شان نزول آیه قلم مربوط به قداست این هنر است و اصل خط را از نقطه می‌دانند که از اتصال آن حروف به دست می‌آید. لوح محفوظ و قلم حاوی صورت‌ها و قالب‌های جهان است و خوشنویسی این قالب را فراهم آورد تا انسان بتواند با جهان روحانی ارتباط یابد. خوشنویسی ظرف مادی است و قلم ان همان قلم الهی است که تمام صورت‌های مثال را با حروف ازلی بر لوح محفوظ نوشته است و هر آنچه به صورت حروف زمینی دیده می‌شود ریشه در همان حروف ازلی دارد. بنا به تفاسیر ذوقی صاحب‌نظران اسلامی سوره علق با حرف (ن) آغاز شد و این حرف شبیه مرکب‌دانی است که حاوی سرمشق موجودات بوده که با آن همه چیز را بر لوح هستی می‌نویسد. در تفسیر این آیه گفته‌اند این حرف به حرف اول نور مربوط است زیرا براساس حدیث پیامبر ص اولین چیزی که خدا منتقل کرد نور بود و حرف (ن) به منزله آخرین حرف (الرحمن) در آیه (بسم ا...) می‌باشد و خداوند به واسطه‌ی رحمتش به تمام کائنات حیات داد و جوهر همه خلقت (نفس الرحمان) است و این همان (ن) الرحمان در شروع سوره‌های قرآن کریم می‌باشد. در واقع منشا ماورایی خط اسلامی با نماد قرآنی (قلم و ن والقلم) بیان می‌شود و کلیدی برای درک مبانی ماورایی این هنر است. به گفته ابن‌عربی در کتاب فتوحات مکیه همه‌ی عالم به منزله ظهور اسمای الهی است و نمونه‌های ازلی قلم و لوح را در قرآن می‌یابد. به گفته‌ی او قلم اسم الهی را می‌نویسد اما لوح اسم را آشکار می‌کند (سوگند به نون و قلم و عزت پیامبر امی که قلم جز به خاطر او آفریده نشد) این عبارت با قاطعیت به تقدس هنر خوشنویسی اشاره می‌کند و ریشه اصلی این تقدس را در وجود مبارک پیامبر اسلام



(ص) می‌داند. به گفته بسیاری از صاحب‌نظران روح اعظم، عقل کل، قلم اعلی و حقیقت محمدیه یکی است و همگی از همان تعین اولیه از امر احدیت به واحدیت به دست می‌آیند[۱۵].

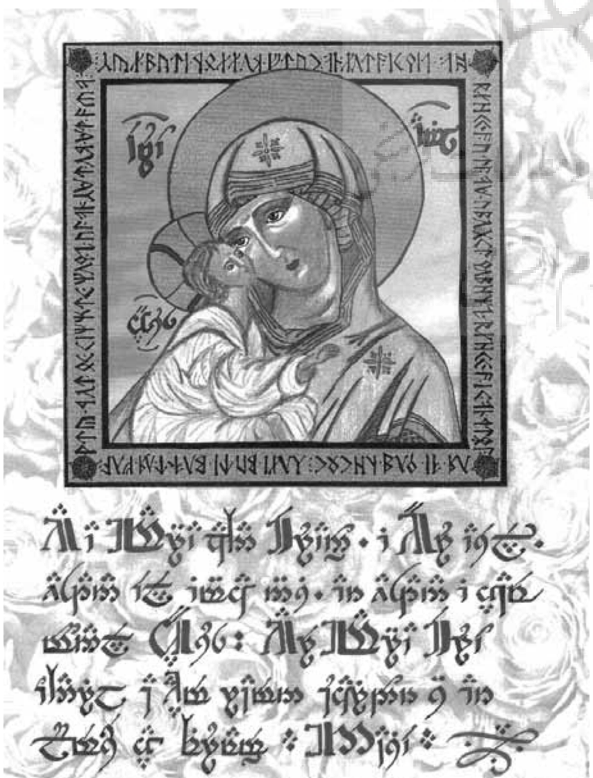
نقطه : خوشنویسی اسلامی برای هرحرف و کلام آن مفاهیم نمادین قایل است و یکی از اشارات آن به تفسیر (نقطه) زیر حرف (ب)، بسم ا... سوره قرآن می‌رسد. مثلا گفته شده است نقطه زیر حرف (ب) (بسم ا...) نماد نقطه نخستین است که به منزله‌ی « اولین قطره الهی بر لوح محفوظ است و از سویی نماد خود ذات الهی است که نه تنها ورای عالم هستی که در قالب حروف و کلمات تمثیل یافته است»[۱۶] ماهیت هنر خوشنویسی اسلامی ریشه در کلام نخستین قرآن دارد و همان نقطه است و چون ماهیت همه‌ی خطوط در نقطه است و حروف از نقاطند در عرفان اسلامی بحث‌های عمیقی پیرامون آن شکل گرفته است، مثلا نقطه را نماد جوهر بسیط دانستند یا اینکه نقطه نشات یافته از قلم الهی و همان کلمه علیای خداست.[۱۷] در مباحث نمادین از نقطه به عنوان خالق (الف) و آن هم خالق همه موجودات نام برده‌اند زیرا نقطه نماد هویت الهی است و الف نشانگر مقام واحدیت است. در این رابطه دکتر نصر می‌گوید «بسم ا... خالق همه چیز است پس همتای کن است[۱۸]» تفسیر رمزی نقطه به ذات خدا اشاره دارد و ان همان فیض اول است که در عرفان اسلامی به آن سرالاسرار و نورالانوار گویند.[۱۹]

حرف و عدد : در تقدس حروف در باور اسلامی همین بس که در سوره فجر آیه ۳ به جفت و تاق قسم یاد می‌کند و در سلسله مراتب موجودات عقل کل یا لوگوس به جای حرف (ب) قرار می‌گیرد. چون بسم ا... اولین آیه است و عقل کل اولین مرتبه در مراتب ظهور موجودات به شمار می‌آید ظهور عالم به واسطه‌ی (بسم ا...) است یعنی به اسم (ا...) صفات (الرحیم و رحمان) ظاهر می‌شود و کلمه (ا...) جامع تمام اسمای الهی است. علم حروف و اسما بین کاتبان اسلامی رواج داشت و همگی معتقد به اثرگذاری‌های ماورایی حروف بر موجودات بودند آنها مجموع تمام امکانات خدا را در کل حروف و قدر عددی آن می‌دانستند و انسان را نسخه رونوشته‌ی الهی دانسته که به منزله نسخه‌ی خطی حروف آن با عالم مطابقت دارد و معانی باطنی آن بر پایه الوهیت استوار است. یکی از عوامل تقدس بخش به هنر خوشنویسی اسلامی حروف رمزی قرآن یا حروف مقطعه است تا جایی که معتقداند این حروف نمادی از اسما و افعال حق تعالی بوده و مجموعه‌ی این حروف اسما اعظم الهی را نشان می‌دهد. این عقاید سبب گردید تا عدد را به عنوان وسیله‌ی تجزیه و تحلیل بلکه راه دستیابی به توحید قلمداد کنند. در نظر اخوان‌الصفا عددهای برگرفته از حروف رابطه درونی با کتاب طبیعت داشته و حتی با کتاب وحی هم مربوطند و علم اعداد هم بر اساس ارزش حروف بنا شده است.

تقدس خوشنویسی مسیحی :

در دین مسیح هنر زیبانویسی بیشتر در جهت حفظ و احترام به کلام مقدس به کار می‌رفت و مباحث عرفانی مانند آنچه در تفکر اسلامی است به مباحث برخی از صاحب نظران مانند ابن‌عربی باز می‌گردد تا جایی که ریشه حروف عیسوی را از نفس رحمانی می‌دانند که به حضرت عیسی(ع) نسبت داده می‌شود. در رابطه با منشا تقدس خط مسیحی منقول است «در یکی از انجیل‌ها یا در یکی از کتاب‌های نصاری آمده است که فرشته‌ای به نام سیمورس نوشتن سریانی را به این‌گونه که نزد نصرانی‌ها متداول است، به آدم آموخت.[۲۰]» هنر خوشنویسی در بین غربیان قرون وسطی و مسیحیت از اعتبار والایی برخوردار بود و اساس آن نسخه‌برداری کتب مذهبی و تکثیر کلام مقدس انجیل است. در اسلام و مسیح خط و نوشتار به طور ضمنی مفهوم دینی دارد و منظور مسیحیان از نوشتار متون مقدس به ثبت کلام الهی می‌رسد که مانند مسلمانان متن انجیل را کلام الهی دانسته و مانند خط هیروگلیف که خط خدایان بود کلمات برای آنها اعم از اینکه آن را بدانند یا بفهمند قداست داشت. هم‌چنین بین حروف فارسی و عربی و لاتین قرابتی وجود دارد و این حروف به لحاظ معانی باطنی آن به اندام انسانی شبیه است که در حوزه اندیشه حروفیه قابل بررسی است و در تفکر مسیحی برای ساختار حروف لاتین از اندام انسانی مسیح استفاده می‌کنند. این نوع ارتباط به تفکر یهود و اسلام شبیه بوده و در آن به نسبت نزدیکی حروف با بخشی از اندام انسانی و ارتباط آن با کائنات اشاره می‌کند. باور به تقدس حروف در اندیشه مسیحی در بین تمام معتقدان مسیحی حتی شاعران و نویسندگان وجود داشت تا جایی که ویکتور هوگو در دفترچه یادداشت‌های سفر خود تمام حروف الفبای لاتین را به یکی از مظاهر خدا نسبت می‌دهد و همه محتویات الفبا را را از خدا می‌داند.[۲۱] در تفکر مسیحی اعتقاداتی پیرامون کتاب – قلم وجود دارد که تماما راه به منشا قدسی آن می‌برد.

۱ – حرف و عدد قلم و کتاب :علامت رمزی مسیح در میان دو حرف آلفا و امگا است که نشانه‌های رمزی‌اند که با صلیب و دایره نمادی از مسیح به عنوان ترکیبی از این عالم محسوب می‌شوند. در



دنیای نوشتار مسیحی این اعتقاد وجود دارد که اسرار حروف و ارزش معنوی واژه‌ها سبب ایجاد ارتباط روحانی شده و حروف معانی را منتقل می‌کنند و این معانی روح را به عمیق‌ترین لایه‌های وجودی خود کشانده و از جهان معنا پرده برمی‌دارد. حروف اختصاری متعددی در الفبای لاتین وجود دارد که از صدر مسیح به عنوان نمادی از این دین بر سر دخمه‌های مسیحی و کلیساها نقش می‌شد و جزو اسرار و رموز حروف و اعداد منشعب شده از آن بود تا جایی که (الف) حرف اول از حروف ابجد اسلامی و عبری و حتی یونانی است و حضرت مسیح به طریق استعاره می‌فرماید منم (الف) و (ی) و انتها و آخر[۲۲] هم‌چنین قلم و دوات نوشتاری نشانه ۴ مبشر انجیل بوده است و کتاب و لوح نشان عالمان مسیحی و نمادی از مبشران و حواریون قلمداد می‌شد و کتاب ممهور به هفت مهر حاوی رموز و سرنوشتی است که حاوی دستورات الهی بوده و همان کتاب نخستینی است که با قلم الهی برای اولین بار نگارش شد.

تقدس خوشنویسی یهودی :

در اخبار آمده است که خداوند بهشت عدن را به دست خود آفرید و تورات را به دست خود نوشت.[۲۳] حروف و اعداد منشعب شده از حروف عبری در فرهنگ یهود از دیرباز کلیدی برای دستیابی به قوانین الهی تورات در جهت کشف قوانین و اسرار آفرینش قلمداد می‌شد و اهمیت داشت و عبریان این علم را از اجداد خود فرا گرفته بودند. علم ابجد بر گرفته از حروف عبری و بر پایه‌ی ریاضی بنا شده است و در خطوط فینیقیه و آرامی وجود داشت و بعدها اعراب حروف ابجد را از آنها فرا گرفتند. آنها معتقد بودند که با تعبیر حروف عبری می‌توانند به یک سری اعتقادات اصولی دست یافته و به اسرار واقف شوند. تقدس کلام و زبان یهود در اندیشه‌ی یهودیان سبب شد تا خط عبری برای آنان محفوظ باقی مانده و ذات مطلق را در آن مشاهده کنند. یکی از خطوطی که نماد هویت یک ملت است خط عبری است که پشتوانه کاملا مذهبی و دینی دارد و هنر یهودی بنا به پایبندی به اصول و قوانین یهود که تماما رو به تنزیه است و هیچ‌گونه شکل هنری را شایسته جلوه‌گری کلام خدا نمی‌داند از هنر نگارش خط عبری به عنوان یک هنر کاربردی و دینی استفاده کرده و این هنر به راحتی مورد پذیرش جامعه‌ی یهود قرار گرفت و بدین‌سان هنر پیکرتراشی و نقاشی از محدوده‌ی هنر دینی آنان طرد شد.

۱ – کتاب و حرف : نیاز به نگهداری اصل کلام و متون مقدس یهود از دلمشغولی‌های آنان بود و براساس گفتارهای تلمود حذف یا اضافه کردن یک آوا به منزله نابودی تمام جهان است[۲۴] تا جایی که هر یهودی موظف است توراتی برای خود بنویسد و برای نگارش آن قوانین سختی قایل‌اند. در کتاب شولحان عاروخ جلد ۱ در باب قوانین نگارش حروف عبری تورات بحث‌های فوق‌العاده نمادین و عارفانه‌ای آورده شده است که به منزله‌ی اجرای مراسم آیینی خوشنویسی دیگر ادیان است. در کتاب سفر یسیرا تاثیرات عرفانی این دین درباره حروف عبری بیان می‌شود و در بخشی از آن به رابطه‌ی ۳۲ طریق مخفی حکمت می‌پردازد که توسط آن جهان خلق شد و به آن ۱۰ سفیروت گویند که به مثابه اسمای الهی است و با ۲۲ حرف الفبای عبری اضافه می‌شود. یکی از والاترین حروف عبری حرف آلف است که از یگانگی و سروری خدای متعال صحبت می‌کند و برابر با نام ابجد اعظم الهی است. این حرف در اندیشه‌ی یهود نماد وحدانیت و سروری و قابل مقایسه با حرف الف در اندیشه اسلامی در مرتبه احدیت است در حالی‌که حرف دوم عبری حرفی است که بنا به باور یهود آفرینش با آن اغاز شد و برابر با حرف دوم اسلامی است و همان (ب) بسم ا.. است.

۲ – قلم : بنا به اعتقاد علم الحروف نوشته ابولفی سنت قلم‌های ملایک توسط میکائیل، جبرئیل و رافائیل آفریده شد و به قلمرو سیمیا تعلق دارد.[۲۵] جبرئیل از فرشتگان مقرب است و به نام فرشته وحی و امین وحی و عقل اول و روح اعظم خوانده می‌شود.

۳ – الواح، خط و الفبا : در کتاب اندرز پدران رساله‌ای از تلمود آمده که یکی از آفرینش‌های خداوند در روز ششم خلقت حروف– خط و الفبا و الواح است.[۲۶] شاید یکی از دلایل حساسیت یهود به متون مقدس بیشتر از واژه کلام به این مورد برمی‌خورد زیرا حروف عبری عوامل خلقت محسوب می‌شوند و سفیروت‌های ۱۰ گانه با حروف الفبای یهود ارکان معنوی عالم هستی را می‌سازند.

۴ – اعداد : اعداد در یهود منزلت خاصی دارند و عدد ۱ در عبری سرور متعالی‌ترین و همان عقل مکتوم است و نمادی از وحدت محسوب می‌شود. بنا به اعتقاد یهود (یهوه) یکی است و نام آن یکی است و یک به خدا می‌رسد. دستگاه شمارش عبری بر اساس ده دهی است و تمام اعداد را ساخته شده از ده می‌دانند. عدد ۱۰ نشانی از کامل بودن دارد زیرا عقیده دارند خداوند جهان را با ده گفتار آفرید و با ده فرمان خود امر کرد.

تقدس خوشنویسی هندویی :

یکی از ادیانی که بعضا حرمت چندانی برای خط قایل نبود دین هندو است اما به دلیل حفظ متون برهمایی کاهنان سعی در انحصار این هنر داشتند و از آن مراقبت می‌کردند. این انحصارطلبی نسبت به عمل زیبانویسی متون الهی برهما سبب تقدس‌بخشی به آن گردید و برای نسخه‌برداری از آن متون اجروالایی قایل شدند. در این آیین برای خلق هر نوع هنری آدابی قایل‌اند و معتقدند برای عمل آفرینش هنری باید هنرمند راهی خلوت شود و آداب هفت آیین را بر جا آورد و ۴ حال نامنتهای را طی کند. این احوالات در مکتب ودانتا قابل بررسی است و سبب می‌شود تا هنرمند هندویی به خویشتن خویش رسیده و سبب تزکیه روح او شود و در نهایت منجر به اتحاد روح فردی به روح جهانی گردد.[۲۷] احتمالا با چنین شرایطی دست زدن به متون الهی می‌بایست پس از کسب فضایل فردی همراه شود و مراسم خاصی رادر پی دارد. از آنجا که برهمن‌ها معتقدند منشا متون آنها الهی است حتی برای خط خود (سانسکریت) منشا قداستی قایل‌اند و لفظ (دیواناگری) به معنای خط خدایان می‌باشد. این نام اشاره به ریشه‌ی دینی خط آنها داشته و حتی هنر نقاشی خود را به نویسندگی یا کتابت می‌دانند و عقیده دارند آنچه نقاشی می‌شود داستان آفرینش است و خداوند اولین کسی است که داستان آفرینش را نوشته است و انسان فقط از کار خدا تقلید می‌کند و معمار جهان هستی با نوشتار دانش خود را منتقل می‌کند. هم‌چنین در سرودهای ودایی از الهه ساراسوآتی نام می‌برند که مخترع خط و زبان

سانسکریت است و اورا همسر برهمن دانسته‌اند.[۲۸] در هنر هندویی که سرشار از نماد و رمز و اشاره است برای نوشتار تقدس قایل‌اند و آن را از برهمن اعلا می‌دانند.

۱ – کلمه، کتاب و الفبا : در تفکر هندویی برای این اقلام ارزش خاصی قایل‌اند و هر کدام را به نام سازنده‌ی الهی یا خالق آن نسبت می‌دهند مثلا الهه ساراسواتی خدای نگهبان کلام و نوشتار است و خدای واک – واکیا – واک ایشوارا، واک دیوتا همگی خدایان گویایی و نوشتارمی باشند الفبای هندویی بر پایه‌ی اندیشه‌نگاری طبیعی بنا شده است و با قوای الهی رابطه دارد. هم‌چنین (کن) اسلامی با الهه ساراسوآتی یکی است[۲۹] و این الهه مظهری از صدای نخستین است و از صور آن کلام به دست می‌آید. این الهه معادل عقل اول ـ لوگوس ـ و برابر با خرد جهانی است که با حقیقت محمدیه برابر است.

۲ – قلم : در بین برهمانان هندویی کایاست‌ها کاتبان الهی قلمداد می‌شوند و در اعیاد خود به نیایش قلم می‌پردازند.[۳۰] آنها معتقدند در این قلم روح سیال پروشا در جریان است که هنگام نگارش حروف سانسکریت این روح در جریان خواهد بود و در پس کلام مقدس اوم به هنرمند و فضای پیرامونش انرژی ساطع شده را پراکنده می‌کند[۳۱].

۳ – حرف و عدد : در فرهنگ هندویی برای حرف (آ) تقدس قایل‌اند و معتقدند ویشنو آغاز و پایان همه‌ی آفریدگان و از میان همه حروف (آ) است. این حرف جزو حروف ۵ گانه‌ی رمزی سانسکریت است که در اوراد و ادعیه خوانده می‌شود. بیشتر حروف سانسکریت به یکی از نام‌های برهمن باز می‌گردد و مقدس هستند تا جایی که کلمه (آهانکارا) به معنی من خالق سانسکریت هستم از القاب برهمن است. هم‌چنین اعداد در نظر هندوها ذات بینابینی عالم‌اند و عدد ۱ مقدس‌ترین عدد محسوب می‌شود.

تقدس خوشنو یسی تائویی :

عناصر اساسی موجود در خط چینی تماما تصویری است و براساس الهام از طبیعت به دست آمده‌اند. خوشنویسی چینی نوعی نقاشی بوده و نشان دهنده‌ی نحوه‌ی بینش آنها نسبت به طبیعت می‌باشد و برای فهم ریشه‌ی هنر خوشنویسی تائویی باید به اندیشه‌ی تائویی مردم چین آشنایی داشت. زیرا نقطه آغاز فلسفه تائو حفظ حیات است، حیاتی که باید خود را در زیبانویسی چینی نشان دهد. در تکوین خطوط چینی باید به رابطه‌ها و باورهای کهن الفبای چینی رجوع کرد زیرا نوع کتابت آنها متاثر از جهان بینی آنهاست و آنها قایل به نفوذ متقابل انسان و طبیعت هستند. در نظر هنرمندان تائویی خوشنویسی یک تفکر شخصی است که در اثر نظاره طبیعت به دست می‌آید و کاتب با کار نگارش سعی دارد تا به اعماق روح سفر کند. هنرمند کاتب چینی با آموزه‌های تائویی در تلاش است تا در عمل نوشتار خود به روح جهانی چئی دست یافته و با آن یکی شود و این به دست نمی‌آید جز با اشراق و در حالت ذن تا بدین وسیله در بی‌کرانگی هستی غرق شود و به نقطه مرکزی وجود یا رمز تائویی دست یابد. در اصل نگارش تائویی و با حروف چینی بیان شده است که در طبیعت روح یا نیرویی است که به تمام اشیا زندگی می‌بخشد و کاتب باید سعی کند تا این روح را در اثر خود به تحرک وادارد. تمام عمل نگارش آنها بر پایه‌ی اندیشه ذن و فی البداهه است و این عمل ناگهانی حاصل شور و اشراق باطنی است که پس از تزکیه فردی و روحی هنرمند به دست می‌آید و خالی از عرفان نیست. هنرمند کاتب چینی در تمام مراحل کار خود آداب و مناسکی را اجرا می‌کند که خالی از ساتوری نبوده و نوعی سلوک معنوی در این مسیر طی می‌شود برای هنرمند چینی کاغذ، قلم مو و دوات گوهر ارزشمند هستند و قلم مو نماد دانش و حکمت است. در اندیشه تائویی خوشنویسی چینی حاوی حکمت معنوی است.

۱ – حرف: چینی‌ها معتقدند که حروف حاوی اسرار و رموزی هستند زیرا تمام حروف چینی به اشکال انتزاعی از عناصر طبیعت گرفته شده‌اند و از آنجا که تمام هستی را مجلای تائو می‌دانند و حروف هم از طبیعت به دست آمده‌اند پس در این حروف ذات مطلق و روح چئی در جریان است و تمام حروف انتزاعی چینی منشا قداست دارند. عارفان چینی با قبول تائو به پیشگویی حوادث آینده از طریق حروف و تحلیل آنها اعتقاد داشته و یکی از روش‌های آسمانی آنها تحلیل بافت حروف است و حرف (ت) نوعی حرف اختصاصی آیین تائو است. در گذشته نوشته‌های وحی شده برای صوفیان تائو دارای نیروهای ماورایی بود و در دوره‌ی شانگ اعتبار داشت و نگارش حروف چینی برای شاهان شانگ قدرت جادویی داشته است. همچنین به حروفی معتقد بودند که توسط آنها می‌توانستند ارواح را وادارند تا مانند سربازان بهشتی عمل کنند. طلسم‌های (فو) در نوشته‌های آسمانی نوشته می‌شد و به عنوان محافظ مورد توجه کاهنان



قرار داشت. این حروف نشانه مالکیت ـ نیرو ـ هویت و نماد هنر چینی است.

۲ – قلم و لوح : در اندیشه‌ی چینی برای رشحات قلم مو جایگاه ویژه‌ای قایل‌اند. زیرا عقیده دارند حرکات قلم مو برای ترسیم یک حرکت اثیری به کار می‌رود و حتی خدای ادبیات چین همواره یک قلم مو در دست دارد.[۳۲] هم‌چنین اصل دوم نگارش و نقاشی چینی به اسلوب ساختاری قلم‌مو اشاره می‌کند و هر ضربه قلم‌مو ارزش جاودانی دارد تا جایی که بیان می‌شود هر حرکت قلم‌مو منشا کل هستی و مادر هزاران هزار پدیده است.[۳۳] بنا به سنت آموزه‌ای تائوبین عقل و قلم ارتباط است زیرا توسط عقل اول قلم خلق شد و از قلم بر لوح نگارش آغاز گردید و اصطلاح قلم در تفکر تائویی به یانگ یکی از وجوه تائو اشاره دارد و عقل از سویی هم به یین اشاره می‌کند. در آیین تائو عقل اول به یانگ و به قلم شبیه است و یک روی آن سوی عالم است. زیرا با نوشتن بر لوح کائنات خلق شد هم قلم و هم لوح همان یانگ و یین تائویی و مطابق با اندیشه اسلامی است. در دیدگاه اسلامی دو عالم بر هم کنش داشته و از طریق اسمای الهی یا دو عامل یین و یانگ به ظهور می‌رسند.

۳ – عدد : در کتاب یی‌چینگ علم و نظریه با هم در می‌میرند زیرا برای استفاده از منابع این کتاب باید از قواعد ریاضی بهره برد و به هر لحظه از تقدیر و مفهوم نمادهای آن شناخت عرفانی داشت. اعداد برای تائویی‌ها به منزله‌ی نشانه‌هایی برای دسته‌بندی زمان بودند و عدد ۱ تا بی‌نهایت ادامه داشت و قلب جهان بود. اعداد در نظرآنها پیام‌آوران آسمان بودند زیرا ارتباط مشخصی میان پدیده‌ها را به وجود می‌آوردند و درنتیجه بین طالع مردم و اعداد ارتباط مستقیمی مشاهده کرده‌اند.

تقدس خوشنویسی زرتشتی :

خط مذهبی این دین خط دین دبیره است که توسط موبدان زرتشتی برای نگارش و حفظ متون اوستایی اختراع گردید. بنا به گفته ابن‌مقفع ایرانیان ۷ خط داشتند که یکی برای نوشتن احکام دین به کار می‌رفت و به آن دین دبیره می‌گویند.[۳۴] هم‌چنین روایت است سرودهای آیین مهر را با این خط می‌نوشتند که برگرفته از لغت (دی پی) است. این خط به شکلی بود که خالق آن پیرو آیین مهر بودند. دیپ به معنای دیو یا همان دوا در اندیشه‌ی هندویی یعنی خداست که در تفکر زرتشتی تبدیل به دیو شد. در آیین مهر فرقه‌ای وجود داشت که فرشته روشنایی را تقدیس می‌کرد و در زبان فارسی به آن (دی) می‌گفتند. دی یا دوا در زبان سانسکریت به جای خدا به کار می‌رفت و به معنی نور و نام فرشته امشاسپندان است و کلمه‌ی دیب دین نامی از اسمای الهی بود و نام فرشته‌ای که روز ۲۳ هر ماه را به نام او جشن می‌گرفتند[۳۵].

۱ – خط و نگارش : بیشتر مطالب درباره نویسه‌های فارسی زرتشتی در اسطوره‌ها آمده است در این روایات منقول است که خط در اندیشه‌ی ایرانیان یک پدیده دیوی است که جمشید از دیوانی که در بند داشت آموخت و لفظ دیپی همان خطی است که از زمان داریوش بزرگ به کار می‌رفت.[۳۶]

۲ – قلم و کاتب : در متون دینکرت آمده است زرتشت دین آورد و دین که دئنه و به معنی قلم و نوشته است و فرشته موکل خط و قلم را همان دئنه گویند و روز ۲۴ هر ماه را به نام فرشته موکل قلم و خط می‌دانند. این اعتقاد به تفکر فرشته‌باوری زرتشتی باز می‌گردد زیرا در اندیشه زرتشتی بهمن نخستین زاده خداست و اوست که گزارش های مردم را به پیشگاه اهورا می‌برد و معادل عقل اول – لوگوس – قلم ازلی است و این فرشته می‌تواند همان قلم اعلی باشد که به مثابه عقل اول دست اندر کار خلقت است.[۳۷]

۳ – حروف و اعداد و اسمای مقدس : زرتشتی‌ها بنا به تعالیم و آموزه‌های اوستا برای جهان دودسته اهورایی و اهریمنی قایل‌اند و حتی برای برخی کلمات خود این نسبت را برقرار می‌کنند مانند کلمه واک که به معنی سخن و گفتار مقدس است و کلمات ایزد و یسن و ایزد جزو کلمات اهورایی محسوب می‌شوند. هم‌چنین عدد ۱ در تعالیم زرتشت خلق اول یا اولین آفریده است و زرتشت اهورا را آغاز یا انجام می‌داند.

نتیجه :

همان طور که بیان شد تمام توضیحات مشروحه در باب منشاء ذاتی و باطنی تقدس هنر خوشنویسی در باور ادیان به نوعی مورد پیگیری است تا جایی که تقدس کلام الهی به لحاظ فهم معانی باطنی آن یعنی درک (منشاء و غایت انسان و آفرینش هستی) توسط کلام خداوند در تفکر ادیان به نحو چشمگیری به کار رفته است و همگی بر این باورند که مخلوقات و پدیده‌ها حروف و اعدادی بوده و به تمثیلی از اسماء الهی با (امرالهی = کن) خلق شده‌اند. هم‌چنین بین کلمه و خداوند ارتباطی ژرف برقرار است و همگی به منزله حروف و اعداد با اصل خود در عالم معنا پیوند یافته و (نقطه) به عنوان شروع و منشاء هستی به منزله‌ی عنصر نمادین در تفکرات ادیان وجود دارد و جهان را نتیجه‌ی کلمه‌ی الهی دانسته که در ازل صادرشده و همه چیز در عالم در پیوند و تناظر است. با توجه به نظریات مشترک دینی در ارتباط با منشاء کائنات و اعتقاد به اصل حقیقت نخستین الهی در خـــلق هستی بـا (کلام الهی) همگی بیانگر این موضوع واحد هستند که تداوم فعل خلق به پشتوانه کلام‌الهی ممکن شده است و تمام آفرینش چیزی نیست جز حضور همان ذات پنهان ازلی که هر لحظه با نام و صفاتی فقط نام خدا را آشکار می‌کند (کلام الهی) با زبان‌های متفاوت به شکل وحی نازل شد چیزی که حقیقت و ماهیت هنر خوشنویسی متون مقدس ادیان را شامل گردید. زیرا ماهیت این هنر به ذات هنر دینی



باز می‌گردد که همان دین از آن بهره‌مند است که به تمام واژگان ظاهری این هنر به عنوان ابزار الهی معنایی باطنی می‌بخشد و هردین بنا به مقام و حال خود نسبت به درک و دریافت خود از (احدیت) همان حقیقت ازلی که به چه میزان به وحدانیت خداوند یکتا پی برده‌اند، ارکان هنری خود را پایه گذاری کرده و به این وسیله هویت یا ظاهر بصری خوشنویسی خودرا شکل داده‌اند. اشکال بصری و ساختمان حروف متشکله‌ی خوشنویسی دینی مطابق با معانی باطنی همان هنر به وجود می‌آید تا جایی که در خوشنویسی اسلامی کاملا تجریدی و به اشکال و فرم‌های بصری خاص دنیای اسلام رشد کرده و متحول می‌شود. خوشنویسی ادیان هم به مراتب نسبت به درک باطنی‌شان از احدیت به حروف بصری خود شکل دادند تا جایی که در برخی تجریدی و در برخی کاملا انتزاعی است. هنر خوشنویسی اسلامی با خطوط اسلامی، هنر خوشنویسی تائو با حروف چینی، هنر خوشنویسی یهودی با خط عبری، خوشنویسی هندو با حروف سانسکریت، هنر خوشنویسی مسیحی با حروف لاتین و هنر خوشنویسی زرتشتی با خط دین دبیره تماما بنا به موقعیت‌های اجتماعی فرهنگی مذهبی اقوام متفاوت که به ادیان فوق گرایش یافتند، تغییر صورت دادند و با گذشت زمان به اشکال متفاوت برای ضبط و ثبت نگهداری (کلام مقدس) ادیان به کار رفته‌اند. هویت این خطوط بر پایه‌ی ماهیت دینی آنها است که همان یاد آوری منشاء هستی با کلام الهی است و میزان وفاداری آنها نسبت به فهم توحید را نشان می‌دهد. پس هویت خط از ماهیت آن جدا نیست بلکه مکمل هم هستند. زیرا شکل گیری صورت یک اثر هنری بدون تاثیرپذیری از معنا یا معنویت نهفته در آن قابل تصور نیست و بیان هر معنایی نیازمند ابزاری است تا به منزله‌ی صورت در هنر ایفای نقش کند. توجه به اهمیت معنا و صورت (ظاهر وباطن) و هویت و ماهیت هنر ضروری است و نشان‌دهنده‌ی میزان نمایانی و نهفتگی حقیقت اشیاء و پدیده‌های پیرامون هستند. درک ظاهر اشیاء و دریافت معنای باطنی هر قالب هنری مانند خوشنویسی ادیان می‌تواند ما را به فهم حقیقت معنوی و باطنی دینی رهنمون باشد و با اینکه وجوه باطنی و معنایی هر دین به جهان بینی و فرهنگ پیروان آن بستگی دارد و متفاوت است اما همگی به قلمروهای متفاوت حیات انسان مربوط بوده و در برخی هم ردیف و در برخی کامل‌تر است و هویت هر اثر هنری به مفهوم وجوه تمایز آن با سایر آثار هنری به خصوص اثر هم جنس خود مشخص می‌شود. زیرا تمام هویت‌ها از یک سو واجد جنبه‌های معنوی و مادی‌اند و از سویی حاوی مرتبه عینی و آرمانی می‌باشند که معیارهای هویتی آن می‌تواند تجلی و نمایش خاص خود را داشته باشد. در حقیقت این نوع هویت در خوشنویسی ادیان باعث گردید تا رابطه‌ی انسان با محیط و فضا و ساخته‌هایش برقرار شود و هم انسان خـود را در اشیاء (نمونه‌اش خوشنویسی دینی) تجلی دهد و هم اینکه شی را تجلی باورها و آمال و آرزوهایش بداند این امر از مجردی‌ترین قالب هنر (خوشنویسی



دینی) منفک نیست زیرا با اصلی‌ترین وجه حیات انسان به عنوان عامل هویت‌ساز فرهنگی و دینی سرو کار دارد و به نوعی جهان بینی او را نشان می‌دهد. زیرا خوشنویسی با مفهوم باطنی کلام الهی همراه است خوشنویسی کلام خدا را می‌نویسد و می‌خواند و سعی در حفظ و نگهداری آن کلام دارد. پس این هنر بخشی از زندگی و حیات او می‌شود تا جایی که برای انجام آن به آداب و مناسکی پایبند می‌شود. برای دریافت عوامل تقدس‌زای این هنر نزد ادیان به اصطلاحات و واژگان ظاهری (حروف، عدد، قلم، لوح، خط، کتاب و...) اشاراتی شد که تماما مطابق با باورها و اعتقادات دینی کاتبان آن حامل بار معنایی خاصی است. آنچه در ارزش‌گذاری معانی این واژگان در هنر خوشنویسی ادیان به چشم می‌خورد و می‌تواند وجه تمایز یا تشابه باطنی این هنر دینی در قیاس با هنر خوشنویسی اسلامی باشد عامل تقدس ذاتی یا عرضی این واژگان است. زیرا همان‌طور که بیان شد در پس معانی ظاهری واژگان قرآن که از حروف مقطعه قرآن کریم و کلمات خاص قلم، لوح و حرف به دست می‌آید معانی باطنی‌ای وجود دارد که تماما به تعالیم الهی خداوند به عنوان منشاء مخلوقات و پدیده ها و فرهنگ اسلامی رجوع می‌کند و منشاء ان را به حق یا احد تعبیر کرده‌اند که با کلام (بسم ا...) در تعین بخشی مخلوقات دخالت مستقیم دارد. بدین صورت است که از ظاهر کلماتی مانند (قلم) معانی باطنی آن به دست می‌آید. در بررسی تقدس این هنر نزد ادیان آنچه به نظر نگارنده مهم است و از دلایل اصلی برای تعمیم امر تقدس این هنر به خوشنویسی ادیان می‌گردد همان بحث حقیقت مطلق است که در متون الهی ادیان به نوعی مطرح می‌شود و تماما از کلام به عنوان تنها عامل خلقت نام برده‌اند چون کلام مقدس



است و خداوند باریتعالی با کلام خود می‌آفریند و ادیان برای نگهداری کلام الهی از خطر انحراف یا فراموشی به نگارش رو آورده‌اند و خط مفهوم معنوی خود را فقط به پشتوانه‌ی محتوای مقدس کلام الهی کسب کرده است. آنچه مهم به نظر می‌رسد تعالیم و آموزه‌های این کلام است که انسان را به سر منشاء معنوی خود آگاه می‌کند و نوع حروف و شیوه های نوشتاری هیچ‌گاه نتوانسته است در محتوای متعالی این متون مقدس خللی وارد کند، به ویژه در بررسی تطبیقی ادیان همه به وحدت دینی اشاره می‌کند و رو به سوی یک حقیقت مکنون‌اند و فقط راه‌های دستیابی به اوست که متفاوت می‌باشد.[۳۸]

*این مقاله بر اساس رساله کارشناسی ارشد هنر نگارنده با عنوان خوشنویسی هنر مقدس از منظر ادیان تهیه و تنظیم شده است.

پانوشت‌ها:

۱ـ نک :(بورکهارت،۱۳۶۷ : ۹).

۲ـ برای مطالعه بیشتر نک : (ماسون.دنیز، (۱۳۸۵)، « قرآن و کتاب مقدس » و.. نشر سهروردی.تهران).

۳ـ نک : کاویانی،۱۳۷۲ :۹۱).

۴ـ نک : شنکایی، ۱۳۸۱ :۱۹۷و ۱۹۸) و نک : گنون. رنه، (۱۳۷۹)، نگرشی بر حقایق باطنی اسلام و تائویسم »،...، تهران).

۵ـ بورکهارت،۱۳۶۷ :۲۰).

۶ـ نک : (اوپانیشادها، ۱۳۸۱ :۳۵).

۷ـ نک : همان منبع، ص۱۷۱.

۸ـ نک : ایزوتسو. توشیهکو، (۱۳۸۵)، »« صوفیسم و تائویسم»،....، تهران).

۹ـ نک : شنکایی. مرضیه، (۱۳۸۱)، « بررسی تطبیقی اسمای الهی» ،...، تهران).

۱۰ـ د. مستتر، ۱۳۸۲ :۳۲۳و۳۲۵).

۱۱ـ خیاوی، ۱۳۷۹ :۱۸).

۱۲ـ منبع قبلی

۱۳ـ نک : شنکایی.مرضیه، (۱۳۸۱)، « بررسی تطبیقی اسمای الهی »،...، تهران).

۱۴ـ نک : (نصر.سید حسین، (۱۳۷۵) ، « مقاله : پیام روحانی خوشنویسی اسلامی »، فصلنامه هنر،...، تهران).

۱۵ـ شایگان، ۱۳۸۲ :۷۲)

۱۶ـ (نصر، ۱۳۷۵، « پیام روحانی خوشنویسی اسلامی»: ۱۱۳).

۱۷ـ نک : جبلی، ۱۳۴۰ :۵).

۱۸ـ (نصر، ۱۳۷۵، « پیام روحانی خوشنویسی اسلامی»: ۱۱۰).

۱۹ـ برای مطالعه بیشتر دراین باره نک : (سید علی همدانی. امیر، (۱۳۷۶)، « ترجمه و متن اسرار النقطه..»،... تهران).

۲۰ـ ابن ندیم، ۱۳۸۱ : ۱۹.

۲۱ـ نک : (ژان،۱۳۸۶ : ۲۰۲).

۲۲ـ نک : (آقا شریف، ۱۳۸۳ : ۲۳۴).

۲۳ـ نک: ابن عربی، ۱۳۸۱ : ۸۸.

۲۴ـ گاور، ۱۳۷۶ : ۱۱۶.

۲۵ـ همان، ص ۲۳۶.

۲۶ـ اووت، ۱۳۸۳ :۴۹

۲۷ـ نک : ذکر گو، ۱۳۸۵، « هنر دینی در آینه متون کهن هندو و...»،:۴).

۲۸ـ اوپانیشادها، ۱۳۸۱ : ۵۲۸.

۲۹ـ شایگان، ۱۳۸۲ : ۲۴۲.

۳۰ـ گاور، ۱۳۷۶ : ۱۹۴.

۳۱ـ برای مطالعه بیشتر در این باره به پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در بخش ارزیابی و تحلیل تقدس خوشنویسی ادیان رجوع شود.

۳۲ـ هال، ۱۳۸۳ : ۳۸۱.

۳۳ـ هارت، ۱۳۸۲ : ۵۲۶و ۵۲۷.

۳۴ـ ابن ندیم، ۱۳۴۳ : ۷.

۳۵ـ نک : همایون فرخ. رکن الدین، (۱۳۸۴)، « سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان »،.... تهران).

۳۶ـ همان منبع، ص ۵۰۳ و ۵۰۴.

۳۷ـ همان منبع

۳۸ـ الفاظ قرآنی حروف و اصوات مترتب حادث اند و اگر کسی منکر شود آنها کلام الهی اند و یا انکه همان حروف فرستاده شده است کافر است (میرسید علی همدانی، ۱۳۸۲ :۳۰).

منابع:

۱ – آقا شریف، احمد. « اسرار و رموز اعداد و حروف »، شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۳

۲ – ابن عربی، محی الدین. « ترجمه فتوحات مکیه »، محمد خواجوی، تهران: نشر مولی، ۱۳۸۱

۳ – ابن ندیم، محمد بن اسحاق.« الفهرست »، م.رضا تجدد تهران: ابن سینا، ۱۳۴۳

۴ – ایزوتسو. توشیهکو. « صوفیسم و تائویسم »، محمد جواد





گوهری تهران: انشارات روزنه، ۱۳۸۵

۵ – بورکهارت، تیتوس. « هنر مقدس اصول و روشها »، جلال ستاری، تهران نشر سروش ۱۳۶۷

۶ – خیاوی، روشن.« حروفیه و تاریخ عقاید و آرا »، تهران: نشر آتیه ۱۳۴۹

۷ – دار مستتر، جیمز. «تفسیر اوستا »، موسی جوان، تهران: دنیای کتاب ۱۳۸۲

۸ – ژان، ژرژ. « تاریخچه مصور الفبا و خط »، اکبر تجویدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی ۱۳۸۵

۹ – سید علی همدانی، امیر. « ترجمه و متن اسرار النقطه یا توحید مکاشفان »، محمد خواجوی، چاپ اول، تهران: نشر مولی ۱۳۷۶

۱۰ – شایگان، داریوش، « آیین هندو و عرفان اسلامی »، جمشید ارجمند، تهران: نشر فرزان روز، ۱۳۸۲

۱۱ – شنکابی، مرضیه. « بررسی تطبیقی اسمای الهی »، تهران: نشر سروش، ۱۳۸۱

۱۲ – جبلی، عبدالکریم. « الکهف و الرقیم فی شرح بسم ا... الرحمن الرحیم »، دکن، ۱۳۴۰

۱۳ – کاویانی، شیوا. « آیین قبالا (عرفان و فلسفه یهود) »، تهران: نشر فراروان، ۱۳۷۲

۱۴ – گاور، آلبرتین. « تاریخ خط »، کورش صفوی،تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۷

۱۵ – گنون، رنه. « نگرشی بر حقایق باطنی اسلام و تائو یسم »، دل آرا قهرمان، تهران: نشر آبی، ۱۳۷۹

۱۶ – ماسون، دنیز. « قرآن و کتاب مقدس :درون مایه های مشتر ک »، فاطمه سادات تهامی، جلد ۲، تهران: نشر سهروردی، ۱۳۸۵

۱۷ – هارت، فردریک. « سی و دو هزار سال تاریخ هنر » موسی اکرمی، تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۲

۱۸ – هال، جیمز. « فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب»، رقیه بهزادی، تهران: نشر فرهنگ معاصر،۱۳۸۳

۱۹ – همایون فرخ، رکن الدین. « سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان »، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۴

۲۰ – پییر، آووت. «اندرز پدران :رساله تلمود »، نشر انجمن کلیمیان تهران، ۱۳۸۳

۲۱ – --.« اوپانیشاد(سر اکبر) ترجمه‌ی دارا شکوه فرزند شاه جهان »، محمدرضا جلالی نائینی، جلد۱و۲، چاپ۴، تهران: نشر علمی، ۱۳۸۱

۲۲ – پایان‌نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی با گرایش پژوهش هنر / عنوان : خوشنویسی هنر مقدس از منظر ادیان / تالیف : مریم فدایی / استاد راهنما : دکتر حسن بلخاری / استاد مشاور : دکتر ایرج نعیمایی / دانشکده هنر دانشگاه الزهرا س / زمستان سال ۱۳۸۷

مقالات :

۱ – ذکرگو. امیرحسین. « مقاله : هنر دینی در آیینه متون کهن هندو، آرا کومارا سوآمی »، فصلنامه خیال، شماره ۲۰، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵

۲ – نصر. سید حسین. « مقاله : پیام روحانی خوشنویسی اسلامی»، فصلنامه هنر، شماره ۳۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵